



## Research Paper

# Religion in Nell Noddings' Philosophy of Education

Neda Mohajel<sup>1</sup> <sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tabriz, Iran.[10.22080/jre.2024.27974.1211](https://doi.org/10.22080/jre.2024.27974.1211)**Received:**

November 3, 2024

**Accepted:**

November 26, 2024

**Available online:**

February 15, 2025

**Keywords:**Religion, Education,  
Ethics of Care,  
Democracy, Noddings

## Abstract

In this article, we try to show the place of religion and religious attitude in Nell Noddings's educational system. In Noddings's philosophy of education, which is based on the theory of "care" or his ethics of care, the relationship between the teacher and the learner are based on the principles of his ethics of care, and therefore the religious field in this relationship is always open to both parties. Noddings believes that teachers and students in schools should freely discuss religion because schools are a place where one should practice moral behavior along with tolerance and tolerance towards others. In other words, schools are the starting point for building a democratic person. Therefore, according to Noddings, the social goal of education, which is to raise a democratic person, recommends tolerance and tolerance in the educational system in religious discussions in schools. Therefore, in this article, we try to show that according to Noddings's view, students' religious questions, issues, and concerns should not be raised only in religion-related lessons, but every lesson and every discipline should be open to free dialogue between the teacher and the student about religion and its issues and questions. From his point of view, we should invite students to enter into conversations beyond their limited skills. Therefore, in this article, we will use a descriptive and analytical method to examine religion in his philosophy of education. Ultimately, the conclusion that can be drawn from this article is that religion in Noddings' educational system can not only help students' development by adopting an appropriate approach, but also be very effective in the emergence of a democratic society based on tolerance and tolerance.

**\*Corresponding Author:** Neda Mohajel**Address:** Department of Educational Sciences,  
Farhangian University, Tabriz, Iran**Email:** [n.mohaajjel@cfu.ac.ir](mailto:n.mohaajjel@cfu.ac.ir)



## Extended Abstract

### 1. Introduction

Nel Noddings, a contemporary philosopher of education, in his books and articles, constantly emphasizes the role of religion in the moral education of children in particular and adults in general. From his point of view, religion is very important for education. In his book *Philosophy of Education*, he says that educators know that humans have a spiritual, intellectual, and emotional dimension. In other words, the discussion of religion in general and religious issues and questions in particular, according to Noddings, are perhaps the most controversial topics in the class. In this article, we are trying to address the importance of this matter in Noddings' educational thought. Of course, we must say that Noddings, by proposing religion in his educational philosophy, does not intend to prescribe the teachings and teachings of a particular religion or a secular point of view for students, because in this case, according to his own words, it will lead to the abandonment of a rational approach to religion in educational discussions.

Noddings believes that students should be given the opportunity to express their religious and spiritual experience in class, but they should not be forced to do so. They may express other people's spiritual experience in the form of poetry or music. The teacher should listen to their experience with silence. Students may one day talk about this sharing of spiritual experiences.

### 2. Method

The research method in this study follows a descriptive-analytical approach, and the

data was collected through the library method.

### 3. Conclusion

With a little reflection on Nel Noddings' philosophy of education, it becomes clear to the reader that his moral education in the education system should be able to help the intellectual and emotional development of students with a tolerant approach so that they can deal with religious topics with an open and open view. Religion and religious beliefs and their practical effects in students' lives and increasing their efficiency and usefulness in practice is what Noddings seeks to defend. He does not want to promote any particular religion or belief in the classroom, and this is in complete contrast to his philosophical approach. Therefore, his educational philosophy, relying on the theory of care, tries to place religion as an important factor in the service of improving the students' living conditions in the direction of a happy life. To what extent he was successful in this work or not is beyond the discussion of this article. Ultimately, the conclusion that can be drawn from this article is that religion in Noddings' educational system can not only help students' development by adopting an appropriate approach, but also be very effective in the emergence of a democratic society based on tolerance and tolerance.

### Funding

There is no funding support.

### Authors' contribution

This paper was written by Neda Mohajel and all the responsibility for this article rests with him.

### Conflict of interest

The author declares no conflict of interests.



علمی

## دین در فلسفه تعلیم و تربیت نل نادینگز

ندا محجل\*<sup>۱</sup> ID<sup>۱</sup> استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، ایران.[10.22080/jre.2024.27974.1211](https://doi.org/10.22080/jre.2024.27974.1211)

## چکیده

در این مقاله سعی داریم جایگاه دین و نگرش دینی را در نظام تربیتی نل نادینگز نشان دهیم. در فلسفه تعلیم و تربیت نادینگز که مبتنی بر نظریه «مراقبت» یا اخلاق مراقبت اوست، رابطه بین معلم و مربی بر اساس مبانی اخلاق مراقبت او استوار بوده و لذا مباحث دینی در این رابطه همواره برای هر دو طرف امری باز و گشوده است. نادینگز بر این باور است که معلمان و دانش آموزان در مدارس باید آزادانه درباره مذهب بحث کنند چون مدارس جایی است که فرد باید رفتار اخلاقی همراه با تساهل و مدارا با دیگران را تمرین کند. به سخن دیگر، مدارس نقطه آغاز برای ساختن شخص دموکراتیک است. بنابراین، هدف اجتماعی تعلیم و تربیت از نظر نادینگز که پرورش یک فرد دموکراتیک است، تساهل و مدارا در نظام آموزشی را در مباحث دینی در مدارس را توصیه می کند. لذا در این نوشتار سعی داریم نشان دهیم که طبق دیدگاه نادینگز پرسش ها و مسائل و دغدغه های دینی دانش آموزان نباید فقط در درس های مربوط به دین طرح شود بلکه باید هر درس و هر رشته پذیرای گفتگوی آزاد بین معلم و دانش آموز درباره دین و مسائل و سوالات آن باشد. از دید وی باید از دانش آموزان دعوت کنیم که به گفتگوهای فراتر از مهارت های محدودشان وارد شوند. بنابراین، در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی به سراغ نوشته های نادینگز خواهیم رفت تا دین را در فلسفه تعلیم و تربیت او مورد بررسی قرار دهیم. در نهایت نتیجه ای که از این نوشته می توان گرفت این است که دین در نظام تربیتی نادینگز نه تنها با اتخاذ رویکرد مناسب می تواند به رشد دانش آموز کمک کند بلکه در پیدایش جامعه دموکراتیک مبتنی بر تساهل و مدارا نیز بسیار موثر است.

تاریخ دریافت:

۱۳ آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۶ آذر ۱۴۰۳

تاریخ انتشار:

۲۷ بهمن ۱۴۰۳

کلیدواژه ها:

دین، تعلیم و تربیت، اخلاق مراقبت، دموکراسی، نادینگز

\* نویسنده مسئول: ندا محجل

آدرس: گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، ایران

ایمیل: [n.mohaajjel@cfu.ac.ir](mailto:n.mohaajjel@cfu.ac.ir)



## ۱ مقدمه

این مراقبت طبیعی نقطه شروع اخلاق مراقبت است و نیازی به این نیست که اخلاقاً فرد یا افراد را به مراقبت برانگیزیم چنانکه مراقبت مادر از نوزاد خودش بدون هیچ انگیزه اخلاقی و عقلانی شروع می شود. این مراقبت طبیعی سنگ زیرین اخلاق مراقبت (care ethics) نادینگز است. زوج «مراقبت کننده» و «مراقبت شونده» پایه اخلاق مراقبت نل نادینگز است و به دلیل این دو عامل کلیدی اخلاق او را می توان اخلاق ارتباطی نامید.

بر همین اساس نیز می بینیم که در تفکر این فیلسوف تعلیم و تربیت، نظریه تربیتی مبتنی بر اخلاق مراقبت بر ترویج و اشاعه مراقبت از دانش آموزان و معلمان تکیه داشته و به استمرار و پیوند این امر با آموزش و پرورش و برنامه درسی تأکید می کند و بنابراین، کانون اصلی فلسفه تعلیم و تربیت او چنانکه قبلاً اشاره کردیم، «نظریه مراقبت» است. در اخلاق مراقبت این فیلسوف، چهار مولفه مهم هستند یعنی الگوسازی، گفتگو، تمرین، و تأیید یا تصدیق. این چهار عامل در تصمیم گیری اخلاقی فرد در مقام یک معلم یا دانش آموزان در حیطه تعلیم و تربیت بسیار کلیدی هستند. بطور خلاصه می توان چهار مولفه را بر اساس کتاب *فلسفه تعلیم و تربیت* نادینگز یعنی الگوسازی، گفتگو، تمرین و تأیید یا تصدیق در نظریه مراقبت بیان نمود.

الگوسازی در اکثر طرح‌های تربیت اخلاقی مهم است، اما در مراقبت، مانند تربیت شخصیت، اهمیت ویژه‌ای دارد. از نظر نادینگز معتقد است که «در مقابل رشدگرایان شناختی (مثل پیاز،) ما اساساً به استدلال اخلاقی توجهی نداریم، اگرچه، البته، استدلال را نادیده نمی گیریم. ما عمدتاً نگران رشد دانش آموزان خود به عنوان مراقبت کنندگان و مراقبت شوندگان هستیم. ما باید در رفتار (behaviour) خودمان نشان دهیم که مراقبت کردن (caring) به چه معناست. بنابراین ما صرفاً به آنها نمی گوئیم که مراقبت کنند و متن هایی را برای خواندن در مورد مراقبت به آنها نمی دهیم بلکه ما در روابط دو طرفه مان با آنها معنای مراقبت را عملاً

فیلسوفان به مساله بسیار کلیدی و سرنوشت ساز بشر یعنی «تعلیم و تربیت» از افلاطون در یونان باستان تا نل نادینگز (۱۹۲۹-۲۰۲۲) در قرن ۲۱ در آمریکا در آثار خود با رویکردهای مختلف فلسفی پرداخته و هنوز هم می پردازند. نل نادینگز (Nel Noddings) متولد ۱۹ ژانویه ۱۹۲۹، فمینیست و فیلسوف تعلیم و تربیت آمریکایی است که به‌طور خاص به خاطر دیدگاههای خود در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت، نظریه‌های تربیتی و اخلاق مراقبت شناخته شده است. مهم ترین مبانی فلسفی نظریه تربیتی نادینگز شامل عاطفه گرایی، هستی شناسی، پدیدارشناسی و فمینیسم است. اهداف تربیت در دوره تحصیل در مدارس برای کودکان این است که مفاهیمی همچون عشق و علاقه به یادگیری، مهربانی، احترام به خود و تربیت شهروندان دموکراتیک را عملاً تجربه کنند. لازمه این کار این است که «مراقبت» (caring) در کانون تعلیم و تربیت قرار گیرد. او در کتاب *مراقبت می نویسد که* «ما به عنوان انسان می خواهیم مراقبت کنیم و مراقبت شویم. مراقبت فی نفسه مهم است» (Noddings 1984: 7). موریس همینگتون یکی از فیلسوفان اخلاق مراقبت در کتاب اخیر خودش یعنی *مراقبت / انقلابی* به نقل از نادینگز می نویسد: «همانطور که نادینگز می گوید پاسخ مراقب کننده و مراقبت شونده در ساحت خصوصی یا عمومی اطمینان یافتن از این امر است که «من اینجا هستم» (Hamington 2024: 20). دلیل این که نظریه مراقبت نادینگز فمینیستی است این است که چون این مراقبت ریشه در مراقبت مادرانه دارد، رویکرد اصلی نادینگز در فلسفه تعلیم و تربیت مبتنی بر اخلاق مراقبت یک رویکرد زنانه یا مادرانه است و به همین دلیل فلسفه تعلیم و تربیت او فمینیستی نیز نامیده می شود. استدلال او درباره مراقبت از اینجا شروع می شود که مراقبت عنصر بنیادی در زندگی انسان است؛ چون همه آدمیان برای بزرگ شدن نیاز به مراقبت مادر و دیگران دارند.



باشد. در این نوشتار سعی داریم به اهمیت این امر در اندیشه تربیتی نادینگز بپردازیم. البته باید بگوییم که نادینگز با طرح دین در فلسفه تربیتی خودش درصدد آن نیست که آموزه ها و تعالیم دین خاص و یا دیدگاه سکولاری را برای دانش آموزان تجویز کند چون در این صورت به قول خودش باعث کنار گذاشتن رویکرد عقلانی به دین در مباحث تربیتی خواهد شد. او در کتاب *آموزش صلح: چگونه عشق بورزیم و چگونه از جنگ بیزار باشیم می نویسد: « من استدلال خواهم کرد که پذیرش دیدگاه های جزمی، بحث عقلانی را تقریباً غیرممکن می کند و ما باید راهی برای بحث در مورد دین به شکل آشکار و سازنده پیدا کنیم، همانطور که در مورد سایر موضوعات زندگی راه هایی را برای بحث پیدا می کنیم (Noddings 2012: 82) وقتی نادینگز به دین می پردازد بیشتر به مسیحیت اشاره می کند تا به یهودیت یا اسلام. نادینگز به اشاره به نقل قولی از توماس پین، اخلاقی عمل کردن را معادل دین می داند. توماس پین می گوید که کشور من جهان است، کار نیک انجام دادن دین من است (Noddings 2005: 1). از نظر نادینگز باید با صبر و حوصله از دین رمزگشایی شود، نه اینکه با تکبر انکار شود. دین از قلمرویی سرچشمه می گیرد که عقل نباید با آن بیگانه باشد. اگر عقل بتواند علایق و امیال غیرعقلانی را که نیروی خود را از آن ها می گیرد، تصدیق کند آنگاه می تواند به اندازه کافی قوی باشد تا از لغزش آن امیال به سوی هرج و مرج جلوگیری کند و در نتیجه بر خودش غلبه می کند (Nodding 2012: 84).*

### ۳ دین در مدرسه

نادینگز استدلال می کند که مدارس باید به دانش آموزان کمک کنند تا به شهروندانی مدنی تر و آگاه تر تبدیل شوند. نیز به دانش آموزان کمک کنند تا بین مومن بودن و مومن نبودن ارتباط برقرار کنند. مدارس باید به دانش آموزان این امکان را بدهند سوالات دینی و فلسفی را از نگاه ها و رویکردهای مختلف به بحث بگذارند ولی به شرطی که یک نگاه

نشان می دهیم» (Noddings 1998: 131). همچنین ما باید در مساله مراقبت درگیر گفتگو با دانش آموزان شویم. می توان دانش آموزان را تشویق کرد که الگوهای رفتاری و واکنش ها به این الگوها را تحلیل کنند. باید در مراقبت با آغوش باز پذیرای دیگری باشیم و درباره او پیشداوری نکنیم. اما تا زمانی که عمل و مرحله اجرای مراقبت رخ نداده یعنی هیچ مراقبتی رخ نداده است. تمرین در تربیت اخلاقی نیز حیاتی است. اگر می خواهیم افرادی را تربیت کنیم که از دیگری مراقبت کنند، منطقی است که به دانش آموزان در مراقبت فرصت تمرین دهیم. عنصر چهارم این است که وقتی کسی را تأیید می کنیم، یک فرد بهتری را شناسایی می کنیم و رشد آن را تشویق می کنیم. برای این کار باید دیگری را به خوبی بشناسیم. در غیر این صورت، نمی توانیم ببینیم که دیگری واقعاً برای چه چیزی تلاش می کند. در هر فردی که با آن روبرو می شویم، چیزی قابل تحسین یا حداقل قابل قبول را تشخیص می دهیم که خودش در تلاش برای عینیت بخشیدن به آن است. (Noddings 1998: 133). بنابراین، نادینگز در کتاب *فلسفه تعلیم و تربیت* در آخرین فصل کتاب به مساله مراقبت و تعلیم و تربیت اشاره می کند و می نویسد که ما باید با رفتار خود نه استدلال اخلاقی خویش، نشان دهیم که مراقبت کردن به چه معناست و البته این امر چشم پوشیدن از استدلال منطقی فیلسوفان اخلاق نیست.

## ۲ دین و تعلیم و تربیت

نل نادینگز فیلسوف معاصر تعلیم و تربیت در کتابها و مقالات خود پیوسته به نقش دین در تربیت اخلاقی کودکان بطور خاص و بزرگسالان بطور عام تأکید دارد. از دید او دین برای تعلیم و تربیت بسیار مهم است. او در کتاب *فلسفه تعلیم و تربیت* می گوید که مریدان آموزشی می دانند که انسان ها دارای بعد معنوی، عقلانی و عاطفی هستند (Nodding 1998: 137). به عبارت دیگر، بحث دین بطور کلی و مسائل و پرسش های دینی بطور خاص به گفته نادینگز شاید بحث برانگیزترین موضوعات در کلاس



مذهبی پخش می شود بتوانند زیبایی آن را با گوش شان لمس کنند و چنین تجربه های عملی است که نادینگز با رویکرد پراگماتیستی به دنبال نشان دادن اثرات مثبت و مفید و سودمند آنها برای کودکان است (Noddings 1984: 184) نقش مهمی در فرایند تربیتی دارند.

از دیگر سو، می دانیم که مراقبت در قلب نظریه تربیتی نادینگز قرار دارد و به همین دلیل هدف اصلی تربیت اخلاقی مدنظر نادینگز «مراقبت از دیگری» است. معلم ضمن تشخیص استقلال دانش آموز با او همذات پنداری می کند. نقش معلم این است که بهترین انگیزه ها را به دانش آموز دهد. نقش او به عنوان کسی که حمایت و تشویق می کند با نقش او به عنوان کسی که نمره می دهد ناسازگار است. همه معلمان باید آنچه را می توانند انجام دهند تا پیشرفت نه تنها در فرد بلکه در مدارس نیز رخ دهد. از نظر نادینگز حتی معلم ریاضی نیز می تواند به ایجاد یک شهروند دموکراتیک کمک کند (احمدی و دیگران ۱۳۹۵: ۱۰۲)

اما مساله دین در آموزش همواره با چالش هایی همراه است که نادینگز بر آن واقف است. نادینگز با نقد این نظر برتراند راسل که دین را سد راهی برای تعلیم و تربیت عقلانی می دانست می گوید که باید نظر راسل را اصلاح کرد به این معنا که علم نیز چنین کارکردی دارد و دانشمندان نیز با تولید سلاح های خطرناک به بشریت ظلم می کنند و این امر سد راهی برای تعلیم و تربیت محسوب می شود. ما باید آموزش عقلانی، اخلاقی و رضایت بخش عاطفی را برای فرزندانمان بخواهیم و در این میان باید از علوم به نحو صحیح و نیز از دین به نحو معقول استفاده کنیم. نادینگز می نویسد: «مطالعه ریاضیات می تواند عقلانیت دینی را تشویق کند. در ریاضیات، دانش آموزان یاد می گیرند (یا باید یاد بگیرند) که بسیاری از «فاکت ها» به اصول موضوعه بستگی دارد - گزاره هایی که ما مسلم فرض می گیریم از آنها به عنوان پایه ای برای پیکره کل دانش استفاده می کنیم. مثالی آشنا از هندسه بزینیم: مجموع زوایای

یا رویکرد را از روی تعصب به دانش آموزان دیکته نکنند. از دید این متفکر تعلیم و تربیت، معلمان مدارس دولتی نباید به این سوالات پاسخ مشخصی و معینی که در یک مذهب یا آیین مسلم فرض شده بدهند یعنی تبلیغ یک دین خاص مدنظر معلم نباشد. نادینگز اعتقاد دارد که هرگونه تلاش برای کشاندن دانش آموزان به دیدگاه مذهبی خاص به وضوح خلاف قانون اساسی است. هدف این است که دانش آموزان را با ادبیاتی غنی و جذاب آشنا کنیم که به سوالات اصلی و وجودی یا اگزیستانسیال از منظرهای مختلف پاسخ داده شود تا دانش آموزان بتوانند درباره آنها بیاندیشند. به همین دلیل این متفکر بر این باور است که معلمان و دانش آموزان در مدارس باید آزادانه درباره مذهب بحث کنند؛ چون مدارس جایی است که فرد باید رفتار اخلاقی همراه با تساهل و مدارا با دیگران را تمرین کند. به سخن دیگر، «مدارس نقطه آغاز برای ساختن شخص دموکراتیک است» (Nodding 2015: 184). در تعلیم و تربیت دینی امروز تجربه معنوی از ارتباط واقعی اش با واقعیت نهایی یا راستین سنتی اش گسسته است. بر همین اساس نیز نوعی اخلاق نسبی در حوزه اخلاق دینی شکل گرفته است. امروزه فضای فکری و فرهنگی پست مدرن در غرب بطور کلی درگیر نیاز به ارتباط با حقیقت نهایی سنتی کنار گذاشته شده است. به همین جهت تعلیم و تربیت کنونی عمدتاً دانش آموزان را به شدت به شناخت تجربه های معنوی غیردینی یا سکولار سوق می دهند. برخی از مفسران حوزه تعلیم و تربیت دینی بر این باورند که این نوع ساختارشکنی در تجربه دینی در حیطه تعلیم و تربیت دینی باعث ایجاد تساهل و مدارا بین باورها و اعتقادات دینی افراد می شود یا خواهد شد. نتیجه این کار رسیدن به نوعی اندیشه کثرت گرایی و نسبی گرایی خواهد بود (محجل و اصغری ۱۴۰۲: ۲۰۳) وی در کتاب *مراقبت خودش* می گوید که آنچه من پیشنهاد می کنم این است که دانش آموزان نه تنها با اطلاعات مربوط به ادیان بلکه در معرض اثرات عاطفی آنها نیز قرار گیرند یعنی اگر موسیقی



نادینگز خاطر نشان می سازد که دانش آموزان نه تنها باید درباره ادبیات، تاریخ، موسیقی و دین مطالبی را بخوانند و بدانند که معمولا در کتاب های درسی می خوانند بلکه همچون باید فرصت آن را داشته باشند تا پرسش مربوط به زندگی معنوی را کاوش کنند؛ پرسش هایی مثل آیا خدا وجود دارد؟ آیا زندگی بعد از مرگ وجود دارد؟ آیا ریاضیدانان یا فیزیکدانان به خدا باور دارند؟ و امثالهم. از نظر نادینگز معلمان باید بدون تعصب مذهبی برای دانش آموزان این آزادی را فراهم کنند و از این آزادی دفاع و حمایت کنند تا بتوانند درگیر موضوعات دینی شوند.

صلح طلبی چیزی است که نادینگز در فلسفه تعلیم و تربیت خودش به شدت آن را تشویق می کند و معتقد است که نظام آموزشی در مواجهه با امور دینی باید صلح طلبی را هدف اخلاقی خود انتخاب کند. نادینگز جنبه صلح طلبانه دین را در برابر جنبه جنگ طلبانه آن قرار می دهد و می گوید که کودکان را با جنبه صلح طلبانه دین آشنا کنیم. دلیل اصلی او این است که گرفتار شدن در جزمیت های دینی در عمل منجر به خشونت و جنگ می شود و نمونه آن را بین فلسطینیان و اسرائیل می بینیم. اما او اعتراف می کند که تحقق صلح طلبی دین در عمل با دشواری هایی مواجه است.

## ۴ جنبه مثبت و منفی دین در تربیت

تا اینجا دیدیم که نادینگز به نقش دین در نظام آموزشی و تربیتی بشر اعتراف می کند ولی وجه جزمی آن را برای تعلیم و تربیت خطرناک می داند و برای اثبات این از راسل و دیگران فیلسوفان دلیل می آورد:

اگرچه من معتقدم که برتراند راسل وقتی ادعا کرد که دین جزمی مانع ارائه آموزش عقلانی به فرزندانمان است، درست می گفت، اما همچنین اذعان می کنم که آموزش سنتی مذهبی اغلب پشتوانه اخلاقی قوی برای جوانان فراهم می کند.

یک مثلث ۱۸۰ درجه است. این زمانی درست است که اصل توازی اقلیدس را بپذیریم. اگر آن را رد کنیم و بدیلی را جایگزین کنیم، می توانیم دو مجموعه متفاوت از «فاکت ها» را بسازیم که بیانگر دو هندسه بسیار متفاوت خواهد بود» (Noddings 2012: 94).

معلمان می توانند بدون فشار بر دیدگاه های دیگر به این نکته اشاره کنند که دین (مانند ریاضیات) به مفروضات خاصی بستگی دارد. اگر این فرض را که خدا قادر مطلق است رد کنیم، چه نوع الهیات ایجاد می شود؟ در اینجا می توانیم داستان تاریخی را بیان کنیم که چگونه لایب نیتس با بیان اینکه خدا تابع قوانین منطبق است، با متکلمان به مشکل برخورد. به این خاطر لایب نیتس گفت جهانی که ما در آن زندگی می کنیم بهترین جهان ممکن است. برخی از متکلمان حاضر نبودند باور کنند که خدا تابع قوانین منطبق است. برخی دیگر پیشنهاد کرده اند که از این اصل که خدا دانای کل است دست برداریم (Noddings 2012: 95). اما نادینگز معتقد است که

معلمان نیازی ندارند در یکی از این الهیات ها توقف کنند. نکته این است که دانش آموزان را آگاه کنیم که الهیات، مانند ریاضیات، از مفروضات و اصول موضوعه ایجاد می شود. در انجام این کار، معلمان ریاضی فرصتی دارند تا دانش آموزان را با نام ها و ایده های لایب نیتس، یونگ، سی اس لوتیس، وایتهد، و هیک و همچنین اقلیدس، ریمان آشنا کنند (Noddings 2012: 95).

از نظر این فیلسوف برای ایجاد تغییر و تحول واقعی در تعلیم و تربیت باید از قید و بندهای سفت و سخت علوم تا حدودی رهایی یابیم. تعلیم و تربیت و آموزش کودکان باید بستری باز و گشوده به روی تمامی باورهای دینی و علمی بگشاید بی آنکه در بند یک باور خاص دینی یا علمی بمانیم چون در غیر این صورت دچار جزم اندیشی خواهیم شد و این برای تعلیم و تربیت کودکان بسیار مضر و نامناسب است.



دیگر به نام خدا {جهاد اصغر}» (Noddigs 2012: 100). نادینگز در ادامه می گوید: «اسلام، مانند مسیحیت و یهودیت، پیروان خود را برای انجام زندگی اجتماعی و شخصی راهنمایی می کند. در هر فرهنگی، جوانانی که توسط دین هدایت می شوند، احتمالاً محافظت اخلاقی در برابر رذایل رایج در جامعه خود را تجربه می کنند» (Noddigs 2012: 100).

به نظر نادینگز اخلاق مستقل از دین و نسبت به آن تقدم دارد چون ذات اخلاق مراقبت طبیعی انسانهاست که از مادر آغاز می شود. نادینگز بر این باور است که در دنیای امروز ما جنگ و دین هنوز متقابلاً پشتیبان همدیگرند. تروریست ها فکر می کنند که به دستور خدا عمل می کنند و رهبران آمریکا نیز فکر می کنند به دستورات الهی عمل می کنند.

## ۵ مساله خدا در کلاس درس

از نظر نادینگز باید در کلاس درس سوالات فلسفی با مضامین دینی در تمامی درس های حتی در ریاضیات و علوم برای دانش آموزان از طرح معلمان طرح شوند. او در کتاب *تربیت افراد اخلاقی: بدیل مراقبتی برای تربیت شخصیت* (۲۰۰۲) می نویسد:

سوالاتی مثل من کی هستم؟ باید تشویق شوند و زمانی که دانش آموزان علایق و ظرفیت های خود را کشف می کنند، باید به آنها مشاوره داد و حمایت شان کرد. کسی باید به کودکی که چنین سوالی را می پرسد اهمیت بدهد. کسی باید به پاسخی که در حال ظهور است افتخار کند. اما علاوه بر ارتباط شخصی، خودشناسی را می توان در کلاس های درسی تشویق کرد. مثلاً در کلاس های ریاضی و علوم می توان سؤالات دینی و فلسفی را نیز مطرح کرد. از طریق گزارش های بیوگرافی و تاریخی، دانش آموزان می توانند یاد بگیرند که ریاضیدانان بزرگ چگونه با چنین سؤالاتی برخورد می کنند. می توان از دانش آموزان ریاضی خواست تا برهان اثبات وجود خدا در دکارت را تجزیه و تحلیل کنند. اگر

جوانانی که به محافل سنتی مذهبی می روند کمتر از همسالان دیگر خودشان درگیر جنایت، اعتیاد، قمار یا سایر رذایل می شوند. پس دین به وضوح نقش مثبتی در زندگی بسیاری از جوانان دارد (Noddigs 2012: 96).

به نظر نادینگز اخلاق مراقبت به دین به عنوان منشأ و منبع وابسته نیست و در نتیجه عقلانیت را پایه اخلاق نمی داند بلکه پایه اخلاق را مراقبت طبیعی می داند. پیام های مذهبی صلح به ندرت قدرت مقابله با باورهای ریشه دارتر را که دین را به میهن پرستی مرتبط می کند، دارند. گاهی اوقات افراد وابسته بخشی از عقاید یک دین را می پذیرند و بخش های دیگر را رد می کنند، و همین امر در مورد اعضای سازمان های مختلف که برای عدالت اجتماعی کار می کنند صادق است. می دانیم که افراد دیندار گاهی پیام جنگ طلبانه دین را به صورت صلح طلبانه تفسیر می کند و نادینگز معتقد است که در این صورت قابل قابل درک است که بسیاری اوقات مردم حتی پیام هایی را که آشکارا جنگ جویانه هستند بازنویسی یا تفسیر می کنند تا این طور به نظر برسند که گویی با پیام صلح همخوانی دارند (Noddigs 2012: 98). او حتی به اسلام و مفهوم جهاد در آن نیز اشاره می کند. او می گوید که جهاد معنای دوگانه دارد: هم کشتن افراد در میدان جنگ را شامل می شود و هم اخلاقی کردن خویشتن با مبارزه با خواست های نفسانی. به سخن دیگر، نادینگز جهاد به معنای مبارزه با نفس خویشتن و تبدیل شدن به یک فرد اخلاقی را که در اسلام به جهاد اکبر تعبیر می شود بر جهاد در معنای دیگرش اش که پیکار در میدان جنگ است اولویت می دهد و این همان دیدن جنبه مثبت دین است که وی آن را در تعلیم و تربیت بسیار مهم می داند. نادینگز می نویسد: «کلمه جهاد که امروزه در ارتباط با ترس از افراط گرایی اسلامی بسیار شنیده می شود، مملو از ابهام است... ممکن است به نبرد شخصی یا درونی برای تبدیل شدن به فرد بهتر اشاره داشته باشد {جهاد اکبر} یا البته ممکن است به مبارزه با گروهی





شاهد باشیم هر چند این موضوعی خارج از محدوده این مقاله است

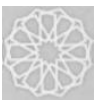
نادینگز با نقد رویکرد مارکسیست ها به دین که آن را افیون توده ها می دانستند معتقد است که علی رغم اثرات منفی دین در برخی موقعیت ها، اثرات مثبت قابل ملاحظه ای نیز دارد. مردم بدون داشتن شکل خاصی از باور و عقیده دینی نمی توانند هدف زندگی را تعریف کنند (Noddings 2002: 12). نادینگز بر این باور است که در آمریکا بسیاری از دانش آموزان هیچ آموزش رسمی مذهبی ندیده اند. با این حال برای بسیاری از آنها، سؤالات مهم و وجودی هنوز مطرح می شود، اما چون هیچ پاسخی ندارند در نتیجه سکوت می کنند. او می گوید دانش آموزان حتی ممکن است از اعتراف به داشتن چنین سوالاتی خجالت بکشند. در پاسخ به سؤال یک فرد که می پرسد آیا به خدا ایمان دارید یا خیر؟ ممکن است پاسخ دهند که دارند، زیرا هرگز پاسخی بر خلاف آن نشنیده اند. بنابراین، می بینیم که همه دانش آموزان به اشکال مختلف با پرسش بنیادی همه آدمیان مواجه می شوند: آیا خدایی هست؟ یقیناً نمی توان این پرسش را برای همیشه کنار گذاشت ولی براهین مختلفی در فلسفه و کلام در جهان غرب و جهان شرق و اسلام از طرف فیلسوفان و متکلمان سنت های مختلف ارائه شده است. نادینگز در کتاب *درس های انتقادی خودش* به سراغ برهان وجودی دکارت می رود و می گوید که این برهان در کلاس درس ریاضی می تواند طرح شود. البته فراموش نکنیم که نادینگز خودش هفده سال معلم ریاضی در مدارس آمریکا بود: برهان دکارت به شرح زیر است:

۱. تصور خدا همان تصور وجود کامل است.
۲. اگر خدا وجود نداشت، تصور وجود کامل نیز ناممکن می شد.
۳. پس، خدا وجود دارد.

او می پرسد آیا دانش آموزان ایراد این برهان را می دانند؟ یقیناً نه. اما فیلسوفانی مثل کانت

برهان شکست خورد، آیا این بدان معناست که خدا وجود ندارد؟ آنها باید در مورد رویکرد جایگزین پاسکال نیز چیزی بشنوند. پاسکال، یکی از بنیانگذاران احتمالات، می گوید که باید روی وجود خدا شرط ببندیم: اگر شرط کنیم که خدا وجود دارد و زندگی مان را بر اساس وجود او برنامه ریزی کنیم، و وقتی خدا وجود دارد، چه چیزی را به دست می آوریم؟ اگر خدا وجود نداشته باشد، چه چیزی را از دست می دهیم؟ داستان هایی از این دست می توانند به دانش آموزان کمک کنند تا هنگام درگیری ذهنی با این نوع سوالات کمتر احساس تنهایی کنند (Noddings 2002: 33-34)

نادینگز خطاها و اشتباهات اخلاقی مان را شبیه گناهان دینی می داند ولی طرح سوال مذهبی در کلاس نباید با تعصب دینی معلم یا دانش آموز همراه باشد و لذا آنها همواره به روی پاسخ های مختلف و سوالات مختلف ذهن خود را گشوده نگه دارند. نقش دین در رفتار نوجوانان از نظر نادینگز بسیار مهم است چرا که منجر پرورش اخلاقی آنها می شود. او معتقد است که در مورد تربیت اخلاقی و دینی دانش آموزان «باید بپذیریم که دین در هدایت عادات شخصی جوانان قدرت قابل توجهی دارد. نوجوانانی که برای پرهیز از الکل و مواد مخدر و حفظ پاکدامنی خود عهد دینی می بندند، شاید در دنیای خطرناک ایمن تر از کسانی باشند که چنین دستورالعمل های روشنی ندارند» (Noddings 2002: 123). نادینگز بر این باور است که پرسش ها و مسائل و دغدغه های دینی دانش آموزان نباید فقط در درس های مربوط به دین طرح شود بلکه باید هر درس و هر رشته پذیرای گفتگوی آزاد بین معلم و دانش آموز درباره دین و مسائل و سوالات آن باشد. از دید وی باید از دانش آموزان دعوت کنیم که به گفتگوهای فراتر از مهارت های محدودشان وارد شوند (Noddings 2002: 143). از نظر نادینگز این همان شکستن مرزهای بین رشته های مختلف است. در واقع می توانیم نوعی تفکر بین رشته ای با محوریت تعلیم و تربیت را در تفکر این فیلسوف



آشنا ساخت و معلم باید دانش آموزان را به مطالعه چالش های فکری و تفاسیر مربوط به آنها دعوت کند. نادینگز می نویسد: «وقتی دانش آموزان درباره اسطوره های زیادی که در آنها اعمال بد و مجازات را به تصویر می کشند، بحث کنند، باید از آنها نیز دعوت شود تا اسطوره هایی که در افراد یا اساطیر متحمل رنج و درد شده اند، را نیز بخوانند» (Noddings 2006: 265). از آنجا که نادینگز رویکرد پراگماتیستی به مسائل فلسفی دارد، به پیامدهای عملی باورها تأکید دارد. در این جا نیز معتقد است که فهم این نکته برای دانش آموزان مهم است که از اسطوره ها می توان برای فهم معنای سلسله، ترس و ظلم استفاده کرد. اما مطالعه داستان هایی که شجاعت، عشق و عدالت را نشان می دهند نیز باید تشویق شود (Noddings 2006: 266).

نادینگز معتقد است که معلمان باید به دانش آموزان یاد دهند که افراد خوب و مفید به حال جامعه در بین متفکران از طیف ملحدان و مومنان و لادریون نیز وجود دارد. آنها باید درباره دیدگاه ها و رویکردهای اخلاقی و دموکراتیک هر طیفی از این متفکران را بخوانند. این فیلسوف اخلاق معتقد است که هدف این است که گفتگوی دموکراتیک بین افراد رواج یابد و نتیجه این گفتگو تساهل و مداراست. اگر بخواهیم جان کلام نل نادینگز را درباره این موضوع بیان کنیم شاید شعری از حافظ به کمک ما بیاید:

*آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با  
دستان مروت با دشمنان مدارا*

نادینگز با نگاه به رفتار عملی افراد نه باور دینی شان می گوید که برخی از ملحدان و برخی از بنیادگرایان مذهبی که همسایه ما بودند هنگامی که بچه من از دوچرخه به زمین می افتاد آنها به کمک او می شتافتند و این رفتار خوب آنها ناشی از رویکرد انسانی مراقبت از دیگری است که باید بیشترین بها به این نوع اعمال داشته شود نه باور و عقیده دینی و ضد دینی شان. او حتی می گوید باید با فرزندان این نوع بنیادگرایان و ملحدان نیز برخورد خوب و

استدلال کردند که وجود محمول واقع نمی شود و نمی تواند عقلاً وجود خدا را اثبات کرد (Noddings 2006: 251). نادینگز می گوید که اکثر فیلسوفان امروز معتقدند که تلاش برای اثبات خدا از طریق عقل بی فایده است. اما عده ای نیز به دنبال اثبات منطقی و عقلانی وجود خدا هستند. نادینگز معتقد است که طرح این برهان های دشوار برای نوجوانان ضروری نیست و دانش آموزان باید بدانند که براهین اثبات یا انکار خدا توسط بسیاری از بزرگسالان هنوز مطرح است؛ اما هرگز منطقی هیچ کدام یقینی و قطعی اثبات نشده است. دانش آموزان باید بدانند که روی تمامی براهین اثبات خدا رنگ شک و تردید پاشیده شده است.

نادینگز برهان نظم را که برای اثبات یک ناظم به نام خدا طرح می کند رد می کند. او می گوید که این برهان غیر علمی است چون در تضاد با نظریه تکامل داروین است. اما نادینگز می گوید که باید دانش آموزان در کلاس درس بدانند که رد براهین نظم توسط دانشمندان به معنای نفی وجود خدا یا خالق یا ناظم نیست (Noddings 2006: 253). نادینگز سپس به دیدگاه فیلسوفانی مثل پاسکال و کی یرکگور اشاره می داند که وجود خدا را نه از طریق عقل بلکه از طریق قلب و ایمان اثبات می کنند. اما بسیاری از دانش آموزان ایمان به خدا را در مسیحیت سازگارتر از براهین عقلانی فیلسوفان می دانند و با آن راحت هستند. ولی در عین حال درباره تضاد عقل و ایمان چیز بیشتری نمی دانند (Noddings 2006: 255). دانش آموزان باید بدانند که درباره وجود خداوند دیدگاه های مومنان، مشرکان و لادریون وجود دارند و باید دیدگاه های آنها را بطور اجمالی بدانند و یاد بگیرند که درباره هر دیدگاه چه پرسش عقلانی را مطرح کنند. معلم وظیفه دارد دانش آموزان را با رویکردهای مختلف در این زمینه آشنا سازد. وظیفه معلم این است دانش آموزان را با فرهنگ های مختلفی دینی آشنا سازد و نباید یک فرهنگ را ترویج کند و بقیه را طرد نماید. حتی باید دانش آموزان را با اساطیر دینی و غیر دینی



ترین چیز به خوشبختی است که مردم باید در زندگی زمینی انتظار آن را داشته باشند (Noddings 2002: 12).

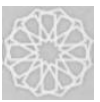
## ۶ نتیجه

با اندکی تأمل در فلسفه تعلیم و تربیت نل نادینگز بر خواننده روشن می شود که تربیت اخلاقی او در نظام تعلیم و تربیت باید با رویکرد تساهلی بتواند به رشد فکری و عاطفی دانش آموزان کمک کند تا بتوانند با نگاهی باز و گشوده به مباحث دینی مثل خدا و براهین اثبات خدا، مساله معنویت دینی و غیره بپردازند. دین و باورهای دینی و اثرات عملی آنها در زندگی دانش آموزان و افزایش کارایی و سودمندی آنها در عمل چیزی است که نادینگز در پی دفاع از آن است. او نمی خواهد در کلاس درس دین یا باور خاصی را تبلیغ کند و این با رویکرد فلسفی او در تضاد کامل است. بنابراین، فلسفه تربیتی او با تکیه بر نظریه مراقبت می کوشد دین را به عنوان عاملی مهم در خدمت بهبود وضعیت زندگی دانش آموزان در جهت زندگی سعادت‌مندانانه قرار دهد. اینکه در این کار تا چه حد موفق بوده یا نه خارج از بحث این مقاله است. نادینگز بر این باور است که اخلاق مراقبت و تعلیم و تربیت از هم جدایی ناپذیر هستند. از نظر این فیلسوف تعلیم و تربیت رشد دانش آموزان از نظر افرادی که کارشان مراقبت است و افرادی که تحت مراقبت قرار می گیرند هدفی اساسی است (نادینگز ۱۳۹۴: ۳۰۷). گاهی این هدف با ورود عنصر دین و تجربه دینی در امر آموزش دچار چالش می شود ولی نادینگز برای غلبه بر این چالش ترویج روحیه تساهل و مدرا بین دانش آموزان و معلمان را راه حل مناسب می داند چرا که وی هدف دیگر از تعلیم و تربیت را نه فقط پیدایش یک انسان اخلاقی که مراقبت از دیگری دغدغه اوست بلکه با تعمیم چنین خصلتی به کل جامعه به ظهور و پیدایش فرد و جامعه دمکراتیک کمک می کند.

اخلاقی داشته باشیم. دانش آموزان از خانواده های بنیادگرا باید در مدارس دولتی ما مورد استقبال قرار گیرند. این بدان معنا نیست که ما باید برنامه کاری اجتماعی و لیبرالی خود را کنار بگذاریم یا از درس های انتقادی که توصیه کرده ام غافل شویم؛ بلکه هیچ کودکی نباید به دلیل ضعف ریاضی یا ضعف در اعتقادات مذهبی اش احساس نادانی یا سرخوردگی کند. دموکراسی ما به کنار هم آوردن فرزندانمان بستگی دارد نه جدا کردن آنها از یکدیگر (Noddings 2006: 276).

نادینگز بر این باور است که باید به دانش آموزان این فرصت را داد تا بتوانند تجربه مذهبی و معنوی خودش را در کلاس بیان کند ولی نباید به اجبار از آنها خواسته شود تا این کار را بکنند. ممکن است آنها تجربه معنوی افراد دیگر را در قالب داستان شعر یا موسیقی بیان کنند. معلم باید با سکوت به تجربه آنها گوش دهد. ممکن است دانش آموزان روزی درباره این به اشتراک گذاری تجربه های معنوی صحبت کنند.

هدف از طرح دین و خدا در آموزش این است که هر انسانی به نحوی راه سعادت و خوشبختی را در زندگی خودش بیابد و تفسیر کند. نادینگز معتقد است که خوشبختی انسان از طریق تعلیم و تربیت ممکن است. او بر این باور است که راه های مختلفی برای خوشبختی انسان در سنت های مختلف وجود دارد و همگی با مفهوم تربیت گره خورده است خواه این تربیت عقلانی و سکولار باشد خواه دینی. اگر در این جهان خوشبختی حاصل نمی شود یک راه این است که «امید خود را برای خوشبختی در زندگی پس از مرگ قرار دهیم. اگر به زندگی پس از مرگ ایمان داشته باشیم و به گونه ای زندگی کنیم که شایستگی آن را داشته باشیم، از خوشبختی مطمئن هستیم. این یک قطعیت است با این حال، برای بسیاری از مردم، ایمان دینی نیز تأثیر مفیدی در رفع بدبختی های زمینی داشته است، در واقع آن را به رضایت تبدیل می کند، که (به گمان آنها) نزدیک



## منابع

<http://eslampajoheshha.nashriyat.ir/>

محجل، ندا و اصغری، محمد (۱۴۰۲) «ساختار شکنی  
تعلیم و تربیت دینی در عصر پست مدرن»  
در مجله پژوهش های فلسفی دانشگاه  
تبریز، دوره ۱۷، شماره ۴۳، تابستان ۱۴۰۲  
صص ۱۹۹ الی ۲۱۰

[https://philosophy.tabrizu.ac.ir/article\\_16654.html](https://philosophy.tabrizu.ac.ir/article_16654.html)

نادینگز، نل (۱۳۹۴) چشم اندازهای فلسفه تعلیم و  
تربیت، ترجمه رمضان برخوردار، تهران:  
نشر نخستین

احمدی هدایت، حمید و دیگران (۱۳۹۵) «تحلیل آراء  
و اندیشه های فلسفی تربیتی نادینگز و نقد  
آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی» مجله  
اسلام و پژوهش های تربیتی، سال هشتم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۵ شماره ۲ (پیاپی ۱۶)



Noddings, Nel (1998) *Philosophy of education*, Stanford University Press

Noddings, Nel (edi) (2005) *Educating citizens for global awareness*, teachers College Press

Noddings, Nel (2012) *Peace education: how we come to love and hate war*, Cambridge University Press

Noddings, Nel (2003) *Education and Democracy in the 21st Century*, Cambridge University Press

Noddings, Nel (1984). *Caring: A feminine approach to ethics and moral education*. Berkeley: University of California Press.

Noddings, Nel (2002) *Educating moral people: a caring alternative to character education*, Teachers College, Columbia University, New York and London

Noddings, Nel (2003) *happiness and education*, Cambridge University Press

Noddings, Nel (2006) *Critical Lessons: What Our Schools Should Teach*, Cambridge University Press

Hamington, Maurice (2024) *Revolutionary Care: Commitment and Ethos*, Taylor & Francis